

بررسی نقش آموزش و پرورش در تربیت و پرورش کودکان

سارا میرشکاری

دانش‌آموخته الهیات و معارف اسلامی گرایش علوم قرآن و حدیث دانشکده علوم و معارف قرآن کریم واحد شیراز
Sara.mirshekari1125@gmail.com

چکیده

کودکان، آینده‌سازان جامعه هستند و رشد و توسعه جامعه در گرو تعلیم و تربیت شایسته آنان است. وظیفه آموزش و پرورش در جامعه، شناخت و حل نیازهای علمی و تربیتی کودکان و نوجوانان است. تعلیم و تربیت و آموزش فلسفه معانی زندگی به نسل‌های آینده از مهم‌ترین وظایف معلمان است. در جامعه‌ای که علم و دانایی، محور توانمندی و توسعه جوامع بشری باشد، ارتقای کیفی آموزش و تربیت نسلی پرسشگر و خلاق، امری ضروری است. توسعه کمی و کیفی آموزش، توسعه مشارکت عمومی، ارتقای سلامت و بهسازی منابع انسانی از مهم‌ترین اولویت‌های کاری آموزش و پرورش می‌باشد که تأثیر مستقیم بر تعلیم و تربیت کودکان دارد. آموزش و پرورش، زمینه‌ساز رشد فکری و اخلاقی انسان‌های یک جامعه پویاست. در این مقاله با تکیه بر دو روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر مطالعات کتابخانه‌ای، تلاش می‌شود که سهم و نقش و تأثیر آموزش و پرورش در تربیت و پرورش کودکان بررسی شود. هدف این پژوهش، دستیابی به تصویری از چگونگی و میزان تأثیر آموزش و پرورش در تربیت کودکان و طرق و شیوه‌های این تأثیرگذاری است. یافته‌های پژوهش نشانگر تأثیر عمیق و وسیع نهادهای آموزش مخصوصاً آموزش و پرورش در تعلیم و تربیت کودکان است و این تأثیرگذاری از دیگر نهادهای اجتماعی نیز بیش‌تر، عمیق‌تر و پایدارتر است. بدین سبب لازم است که توجهات بیش‌تری در این زمینه مصروف شود و برنامه‌ریزی منسجم و مدون و دامنه‌داری برای هدایت کردن تأثیرات آموزش و پرورش به سوی ساختن نسلی شایسته و آینده‌ساز مصروف شود.

واژه‌های کلیدی: آموزش و پرورش، تربیت، پرورش، کودکان

۱- مقدمه

کودکان، آینده‌سازان جامعه بشری هستند. تصور آینده سعادتمند جامعه بشری بدون وجود نسلی از کودکان شایسته و تربیت‌یافته، ممکن نیست. رشد و تربیت کودکان نقش اساسی و تعیین‌کننده‌ای در زندگی آینده آن‌ها دارد. در این دوران حساس و مهم، یادگیری کودکان عمیق‌تر، سریع‌تر و آسان‌تر انجام می‌شود. توانایی‌های آن‌ها در جنبه‌های گوناگون در دوره‌های مختلف رشد شکوفا می‌شود و پایه‌های اصلی شخصیت آن‌ها شکل می‌گیرد. تعلیم و مخصوصاً تربیت کودکان در عصر تکنولوژی با تمام تجربیات کسب‌شده، نیازمند سازمان‌دهی اندیشیده و کاراست (بختیاری، ۱۳۹۳: ۵۹). ضمن اینکه مسائل مختلف در سیاست‌های یکپارچه در زمینه مراقبت و رشد کودکان و سیاست‌های پیشگیری و مراقبت از کودکان نیازمند به حمایت ویژه در زمینه‌های حقوق کودک، استانداردهای آموزشی، آموزش خودمراقبتی، مهارت‌های زندگی، محیط زندگی ایمن و اهمیت رسانه بر تربیت و رشد کودکان بسیار موثر است. اهمیت این موضوع به قدری است که باید تعلیم و تربیت را از سنین کودکی آغاز کرد تا چون نقشی بر سنگ، ابدی شود، زیرا هرچه کودک در این دوران بیاموزد در دوره‌های بعدی زندگی خود بر آن آموزه‌ها تکیه خواهد کرد. براین اساس دوران کودکی که به دوران یادگیری معروف است، اهمیت بسیاری دارد و تأثیر زیادی بر زندگی افراد می‌گذارد. آموزش و پرورش در زمینه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، تربیتی و... به کودکان باید با لحنی دلنشین و مدبرانه همراه باشد، حتی می‌توان در این امر از قصه، داستان و بازی نیز کمک گرفت تا تأثیرگذاری را به نحو احسن انجام دهد. از طرف دیگر تعلیم و تربیت فقط وظیفه مربیان و مسئولان آموزش و پرورش نیست بلکه قبل از آن خانواده به عنوان اولین نهاد نقش مهمی در آموزش فرزندان دارد و باید در کنار معلمان و مربیان برای تعلیم و تربیت کودکان بکوشد. در واقع خانواده در زمینه‌های تربیتی، اخلاقی، روحی و روانی فرزندان می‌تواند مؤثر باشد و آموزش‌های لازم از جمله مهارت‌های زندگی، تصمیم‌گیری، قدرت نه گفتن، حل مسئله، برقراری ارتباطات اجتماعی، اعتماد به خود و خانواده را به فرزند خود ارائه دهد. کودک در مدرسه نیز ضمن بهره‌گیری از این آموزش‌ها مشارکت گروهی و رفتارهای صحیح را باید بیاموزد، در تمام ابعاد دینی، اخلاقی، علمی، آموزشی و اجتماعی پرورش یابد و استعدادهايش شناسایی و شکوفا شود. از این رو مدارس و معلمان نیز می‌توانند در امر آموزش فرد و تربیت صحیح او تأثیرگذار باشند (خانپان و ربیع، ۱۳۸۷: ۲۹). کودکان قبل از ورود به مدرسه رفتارها و مهارت‌های گوناگون را توسط خانواده آموزش می‌بینند و با آموزه‌های خود وارد مدرسه می‌شوند. بنابراین ضرورت دارد که والدین آموزش صحیح و مناسبی داشته باشند. کودک باید از سمت خانواده و مدرسه مورد حمایت قرار گیرد تا از آسیب‌های اجتماع در امان باشد. در حال حاضر کودکان امروز آرام نیستند و حتی در بسیاری از مواقع پرخاشگر نیز هستند. براین اساس خانواده می‌تواند یاریگر آموزش و پرورش در شناسایی ضعف‌ها و مشکلات کودکان باشد و در مسیر تربیت کودکان تأثیر بگذارد و باید خانواده‌ها با آموزش‌های خود و حفظ آرامش و امنیت محیط خانه، فرزندان خوبی تربیت کنند و کمک کنند که آموزش و پرورش نیز به‌خوبی بتواند سهم خویش را در تعلیم و تربیت کودکان به اجرا گذارد. آن‌گاه می‌توان امیدوار بود که آموزش و پرورش به‌خوبی بتواند سهم خویش را در تعلیم و تربیت کودکان آینده‌ساز جامعه ایفا نماید (سلطانی، ۱۳۸۲: ۶۱).

۱-۱- بیان مسئله

آموزش و پرورش دارای تعاریفی متعدد و متنوع است و هر تعریف، جنبه‌ای از موجودیت این نهاد بی‌بدیل اجتماعی را بازمی‌نماید. آموزش و پرورش مطابق یک تعریف، نهادی است که هدف آن، رشد ذهن، بدن و شخصیت کودکان است. رشد ذهن، همان تعلیم یا آموزش است و رشد بدن و شخصیت، همان تربیت است که دو جنبه تربیت بدنی (ورزش) و تربیت شخصیتی و اخلاقی را در برمی‌گیرد. نیز آموزش و پرورش، عملی است به منظور تربیت و تکامل روان و جسم، احساسات و عواطف یک فرد، که یک جامعه یا یک گروه اجتماعی سعی دارد بوسیله آن قدرتی را که از طریق یادگیری‌هایش به دست آورد، جهت ادامه حیات فردی و جمعی به اعضای جوان انتقال دهد. این چنین تربیتی لازم است تا موجب شود که فرد با استفاده بهتر از منابع موجود در یک جامعه و تفهیم ارزش‌های واقعی آن به سوی زندگی بهتر در آن جامعه جهت خود و دیگر افراد جامعه سوق داده شود. از این روست که هدف تعلیمات رسمی در یک اجتماع باید ضمن شناخت و شکوفایی استعدادها به

حقیقت آنچه که می‌تواند آرمانی باشد و آنچه که باید مورد استفاده قرار گیرد، بپردازد. کوشش‌های تربیتی باید دارای هدفی چون فراهم نمودن تسهیلات ادامه حیات فرد در ارتباط با جمع، متناسب با مکان و زمان، تفهیم مفاهیم ارزش‌ها، پیشرفت‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی باشد (صادقی، ۱۴۰۱: ۳۹).

مفهوم تعلیم و تربیت در هر جامعه‌ای با نظام اجتماعی آن ارتباط داشته و هدف تربیت در هر جامعه‌ای اختصاص به آن دارد. از این روست که در جوامع مختلف می‌تواند در مفهوم انتقال دانستنی‌ها، انتقال و تحلیل یادگیری‌ها، یک نیاز انسانی، وسیله حکومت حکام، وسیله منازعه برای تولید و بالاخره وسیله منازعه طبقات اجتماعی محسوب گردد. نهاد آموزش و پرورش، در هر معنا و مفهومی که بکار رود، می‌تواند وسیله لازمی باشد جهت پیشرفت هر تحول در یک جامعه و بخصوص تحولی که در شئون مختلف اجتماعی بکار رفته و سیاست زندگی جمعی را استحکام می‌بخشد. از این روست که تعلیم و تربیت می‌تواند در قالب مفهوم یک نیاز و لازمی بقای هر جامعه‌ای قلمداد شود. عده‌ای از مریبان وظیفه تعلیم و تربیت را انتقال سرمایه تمدنی ذکر کرده‌اند که در اینجا باید این نکته مدنظر مریبان باشد که تنها انتقال این میراث موجب ترقی و توسعه آن نمی‌شود زیرا بسیاری از افکار نظریات، آداب و رسوم و عقایدی که سال‌ها در میان مردم یک جامعه نفوذ داشته و بوسیله نسل‌ها انتقال یافته‌اند و این افکار و نظریات به همان وضع سابق باقی مانده، بر اعمال مردم حکومت دارند (طاهری زاده، ۱۳۹۹: ۲۸). بنابراین وظیفه تعلیم و تربیت در مقابل میراث فرهنگی یا سرمایه تمدنی نه تنها انتقال آنها از نسلی به نسل دیگر است بلکه کار مهم تعلیم و تربیت یا مربی کمک به افراد در ارزش سنجی این میراث و توسعه آنهاست و شاید یکی از عوامل عقب ماندگی کشورهایی که در گذشته فرهنگ‌های غنی داشته‌اند همین امر بوده است که آنها فقط به انتقال میراث فرهنگی خود پرداخته‌اند و اقدامی برای ارزش سنجی و توسعه و پیشرفت آن میراث نکرده‌اند. مدرسه مؤسسه‌ای از نهاد اجتماعی تعلیم و تربیت است که تربیت اعضای آینده اجتماع را به عهده می‌گیرد. لازمه تحقیق امر آموزش و پرورش این است که عمدتاً ارتباطی بین انسانها به وجود آورد و اجتماع که خود معجونی از ارتباطات است، در این راه اقدام می‌کند (همان: ۲۹). روابط انسانی موجود در درون مدرسه، جانیخس ارتباط اجتماعی است. چون مدرسه در قالب ارتباطات عمدی که بوجود می‌آورد از طرق مختلف به فردی که در آینده قسمتی از مسئولیت‌های اجتماعی را به عهده خواهد گرفت، فهمیدن و تجزیه و تحلیل کردن را در کنار آموخته‌های خودکفایی جهت امرار معاش می‌آموزد. از این روست که مدرسه خود سیمایی است از اجتماع، در قالب اجتماعی کوچک برای کودکان و نوجوانان که کاملاً مشخص از سایر جوامع بشری است. بعلاوه برآورد آرمان‌های عالی آموزش و پرورش در رفع نیازهای اجتماعی را برنامه‌هایی منظم و قبلاً تدراک شده‌ای لازم است. نظام‌های تربیتی با اقدام براین عمل تحقق آن را در محلی به نام مدرسه یا آموزشگاه عملی می‌سازند (کریمی، ۱۳۷۵: ۶۴).

مدرسه جهت سازندگی اجتماعی کوشش می‌کند در برنامه‌ریزی‌های خود، خواسته‌های اجتماعی را در مورد توجه قرار دهد. در این مسیر با تصمیم یگانگی و یکسانی هدف بین دانش آموزان وحدت جامعه را تضمین می‌کند. جوامع متمدن امروزی با یادگیری‌های غیرمستقیم نمی‌توانند نیازهایشان را برآورده سازند، لذا وجود مدرسه الزامی شده و آن را رکنی از استمرار انسانهای اجتماعی قلمداد می‌کند. این اجتماع کوچک دانش آموختن را با ایجاد قدرت عمل اشاعه داده، حس اطاعت از قانون و مناطق را در فرد تقویت می‌نماید. می‌توان اذعان نمود که اجتماعی بدون تعلیم و تربیت نمی‌تواند موجود باشد، چه آموزش و پرورش عامل اصلی و اساسی اجتماعی شدن هر فرد می‌باشد. کودک به محض ورود به مدرسه با دنیایی جدید روبرو می‌شود، او با یک رشته از مقررات لازم‌الاجرا مواجه شده و در مقابل فردی به نام معلم که مستقیماً به هدایتش پرداخته و به کمک سایر وسایل انتقال دانستنی‌ها و ایجاد انگیزش به آموختن در اجتماعی شدن کودک ایفای نقش می‌کند. این واقعیت در مدارس ابتدایی بیشتر به چشم خورده و اجازه این اظهار نظر را می‌دهد که انگیزه اجباری و رایگان کردن این دوره از تعلیمات پایه‌ای عمدی و قرارگرفتن آن از سرلوحه برنامه‌های اجتماعی، همین امر است. امروزه نقش مدرسه با هدف‌های گذشته آن که صرفاً جنبه تعلیمات به ویژه در مسیر خواندن و نوشتن داشت، بکلی عوض شده است. بدین طریق که آموزشگاه امروزی وظیفه دارد، ضمن انتقال دانستنی‌های مربوط به خواندن و نوشتن در تربیت انسانی سازنده همت گماشته و به جمعیت تحت تعلیم خود بیاموزد که ضمن کشف وجود خود، با شناخت از زندگی جمعی در شناخت وجودی دیگران نیز موفق شود (کریمی، ۱۳۷۵: ۶۴).

۶۴). بدین طریق درست استدلال کرده و قضاوت نماید، راه ارتباط با دیگران را بیاموزد، روشن ببیند و نیک بیندیشد و به طور کلی هدف نهایی خود را با انسانی ساختن محتوای تعلیمات در راه تربیت انسان دنبال کند. چون او اشاعه‌گر ایدئولوژی نهادی است که باید ضمن تبعیضات درک الویت‌ها و تفهیم دموکراسی با پرورش اذهان باز در تحکیم انسانیت در جوامع بشری اهتمام ورزد. اجتماع از مدرسه به عنوان یک مؤسسه تربیتی متوقع است که ضمن ایجاد تربیت اجتماعی در دانش‌آموزان بتواند در پرورش افراد سازنده جهت رفع نیازهای اجتماعی نیز اهتمام ورزد. ولی باتوجه به برنامه‌ها و کیفیت محصول آن ضعف کفایت در ایفای نقش آن کاملاً مشهود می‌گردد و بدین طریق مدرسه پاسخگوی خواسته‌های اجتماعی با درصدی بالا نشده و غیرمستقیم با تربیت مستقیم اجتماعی شدن بهتر دانش‌آموزان را عاید نمی‌کند (نسترنی، ۱۴۰۱: ۳۶). بر اساس آنچه گفته شد، در این مقاله تلاش می‌شود سهم و نقش آموزش و پرورش در تربیت و پرورش کودکان بررسی شود و طرق و شیوه‌ها و ابعاد این پدیده مورد تحلیل و واکاوی قرار گیرد.

۱-۲- پیشینه تحقیق

درباره نقش آموزش و پرورش در تربیت و پرورش کودکان پژوهش‌های بسیاری صورت گرفته‌است و این بسیاری پژوهش‌ها دال بر اهمیت نهاد آموزش و پرورش در زمینه تربیت و پرورش کودکان است. هر یک از این پژوهش‌ها تلاش دارد که از جنبه‌ای به تبیین نقش آموزش و پرورش در تربیت و پرورش کودکان پرداخته‌اند. در ادامه به مشخصات و چکیده‌ای از این پژوهش‌ها پرداخته می‌شود:

- کریمی، عبدالعظیم. (۱۳۷۵). «کارکرد نظام آموزش و پرورش در تربیت اجتماعی کودکان و ارتباط آن با توسعه فرهنگی - اجتماعی». *مجله رشد معلم*. شماره ۱۱۹. ۲۲ - ۲۵. در چکیده این مقاله آمده‌است: کارکرد نظام آموزش و پرورش در تربیت اجتماعی کودکان و ارتباط آن با توسعه فرهنگی اجتماعی عبدالعظیم کریمی مقالات قسمت اول (به تصویر صفحه مراجعه شود) یکی از کارکردهای عمومی آموزش و پرورش، اجتماعی کردن کودکان و نوجوانان است. اسلام و تربیت اسلامی با آنکه استعداد اجتماعی شدن آدمی امری طبیعی و فطری است، پرورش این استعداد باید از طریق نهادهای آموزش و پرورش شکل عملی به خود بگیرد. اساساً، کامیابی و بهره‌مندی هرکس در جامعه بر حسب خلق و خویی است که از طریق تربیت اجتماعی کسب می‌کند و نیاز قطعی آدمی به حمایت دیگران و لزوم همکاری با این و آن، ایجاب می‌کند که هر فردی برای تأمین زندگی و ادامه حیات دارای خلق و خوی اجتماعی باشد. مدرسه مکان اجتماعی شدن کودکان و نوجوانان است اجتماعی کردن کودکان و نوجوانان در قلمرو آموزش و پرورش، از یک طرف با استفاده از کتابهای درسی صورت می‌گیرد که از آنها، بر مفاهیم اساسی تربیت اجتماعی تأکید می‌گردد و شناختی از تاریخ مشترک، وضعیت طبیعی کشور، شکل حکومت، سیاست جامعه و فعالیتهای جمعی به دانش‌آموزان ارائه می‌گردد. بدین معنی که تربیت اجتماعی افراد به کار آموزشگاهها منحصر نیست و در بیرون مدرسه، که اغلب اوقات محیطی بریده از فضای رسمی مدرسه است و محیطی که کودک در آن زندگی می‌کند، سلسله محرکهایی بر او وارد می‌شود که احتمال دارد بسیار آموزنده یا بسیار تخریب‌کننده باشد.

- طاهری‌زاده، مریم. (۱۳۹۹). «نقش آموزش و پرورش در تربیت کودکان». *هفتمین همایش علمی پژوهشی توسعه و ترویج علوم تربیتی و روانشناسی ایران*. در چکیده این مقاله می‌خوانیم: توجه به اخلاق در تربیت از دیرباز مورد توجه همه مکاتب و فلاسفه بوده است. تربیت بدون توجه به اخلاق بار محتوایی تربیتی ندارد. اهداف اخلاقی تربیتی، زمینه‌هایی هستند که ما را به عنوان اسوه و الگو معرفی می‌کند و برای درک رفتار اخلاقی یاری می‌کند. شیوه‌های تربیتی قرآن برای رسیدن به اهداف عالی انسان برنامه ریزی شده است. در دین مبین اسلام همانند هر مکتب اصیل و سابقه دار دیگری شاهد قواعد، الزامات و احکامی در حیطه‌های مختلف از جمله اخلاقیات هستیم. آموزه‌های کلی که ناظر به همه انسان‌ها و همه زمان‌ها بیان شده است و ملاک‌ها و معیارهای اخلاقی و ضد اخلاقی را ذکر کرده است. احکامی که بر اساس مبانی اصولی از منابع قرآن، سنت و عقل به دست. هدف از انجام این تحقیق شناخت تأثیر اخلاق قرآنی در محتوای تربیتی آموزش و پرورش برشد کودکان می‌باشد.

- صادقی، ام‌البنین. (۱۴۰۱). «بررسی نقش و جایگاه تربیت فاطمی در آموزش و پرورش کودکان». *نهمین همایش ملی تازه های روانشناسی مثبت*. تربیت فرزند در همه اقوام جهانی جایگاه ویژه ای دارد و در اسلام این جایگاه به خاطر دستورات دینی اهمیت بیشتری پیدا می کند و اگر بخواهیم فرزندان هم چون حسنین (ع) داشته باشیم باید شیوه تربیتی حضرت فاطمه (س) را به عنوان الگویی تمام در نظر بگیریم، زیرا فاطمه زهرا (س) الگویی کامل و پاک هستند که با در نظر گرفتن شیوه تربیتی ایشان می توان فرزندان صالحی به جامعه اسلامی تحویل داد. سوال اصلی این پژوهش این است که حضرت فاطمه (ص) چگونه و با چه شیوه ای به تربیت فرزندان خود اقدام می کرده است. علم به معنای شناخت و آگاهی است، و راهنما و چراغ عقل است، و در قرآن و روایات بر کسب علم تاکید بسیار شده است و پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) طلب علم را بر هر مرد وزن واجب دانسته است. حضرت زهرا سلام الله علیها غیر از اینکه یک شخصیت آسمانی است دارای مراتب و درجات معنوی و روحانی، آموزگار بشریت بالاخص زنان محسوب می شود حضرت زهرا (سلام الله علیها) عالمه و محدثه به عنوان الگوی جامع و کامل، برای زنان عالمه و دانشمند است که در قرون متوالی شاهد زنان عالم و دانشمند بسیاری هستیم که در مکتب اهل بیت (علیه السلام) کسب فیض کردند. در این پژوهش که به روش توصیفی تحلیلی و به روش کتابخانه ای گردآوری شده، و در برخی از منابع حدیثی، تاریخی و سیره علمی حضرت زهرا (سلام الله علیها) مورد بررسی قرار گرفته است. با هدف تبیین اهمیت علم آموزی و لزوم الگوگیری از حضرت فاطمه (سلام الله علیها) در بعد علمی و بررسی تاثیر تربیت فاطمی بر ترویج فرهنگ دانش آموزی نگاشته شده است.

- نسترنی، لیلا. (۱۴۰۱). «نقش آموزش و پرورش در اجتماعی کردن کودکان از طریق فعالیت های جسمانی در ساعات تربیت بدنی». *شانزدهمین کنفرانس ملی روانشناسی، علوم تربیتی و اجتماعی*. فعالیت های جسمانی در قالب ورزش تاثیرات عدیده ای بر ویژگی های شخصیتی کودکان می گذارد. این تاثیرات در ابعاد مختلف قابل مشاهده است. یکی از این تاثیرات، کمک به اجتماعی شدن کودکان می باشد. آموزش و پرورش به عنوان نهادی اجتماعی که در رشد و شکوفایی کودکان نقش بسزایی دارد، در اجتماعی کردن کودکان نیز سهیم می باشد. از طرفی ورزش به دلیل ماهیتی که دارد، می تواند به میزان قابل ملاحظه ای دست یابی به این مهم را تسهیل و تسریع نماید. در این نوشتار، سعی بر آن شده است که به تبیین ارتباط بین فعالیت های جسمانی که در قالب تربیت بدنی و ورزش در مدارس برای کودکان و نوجوانان عرضه می شود، با اجتماعی شدن آنان پرداخته شود.

- بختیاری، شهلا. (۱۳۹۳). «بررسی انعکاس مطالب مربوط به سیره پیامبر (ص) در کتاب های درسی دوره ی دبیرستان رشته های تجربی و ریاضی سال تحصیلی ۱۳۹۲ - ۱۳۹۱». *مجله مطالعات تاریخ فرهنگی*. سال ششم. شماره ۲۱. صص ۴۷ - ۷۰. توجه به سیره پیامبر اعظم (ص)، یکی از اهداف عالی وزارت آموزش و پرورش در تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان ایران شمرده می شود. در نظام آموزش رسمی، کتاب های درسی بستری مناسب برای زمینه سازی و انتقال آموزه های دینی به شمار می آید. نوشته حاضر می کوشد با استفاده از روش های کمی و فراوانی سنجی به بررسی میزان انعکاس داده های مربوط به سیره نبوی در کتاب های درسی دوره ی دبیرستان رشته های تجربی و ریاضی در سال تحصیلی ۹۱-۹۲ بپردازد. در این تحقیق میزان فراوانی داده ها، نوع روایت و نوع ارجاعات مورد بررسی قرار میگیرد. نتایج تحقیق نشان می دهد، بیشترین مطالب مرتبط با سیره در کتاب های درسی نیز «بدون ذکر منبع» بوده اند. همچنین در نوع روایت سیره، غلبه با «حدیث» بوده است و «روایت داستانی» با وجود ظرفیت آموزشی زیاد، کمتر مورد استفاده قرار گرفته است.

۳-۱- ضرورت و اهمیت تحقیق

به سبب اهمیت تربیت و پرورش کودکان برای پی افکندن جامعه ای سعادت مند و شایسته در آینده و سهمی که آموزش و پرورش در این زمینه دارد و می تواند تأثیری گسترده، عمیق و ماندگار جهت پرورش کودکان داشته باشد، بنابراین پژوهش و تحقیق در حوزه تأثیر آموزش و پرورش در تربیت و پرورش کودکان دارای ضرورت و اهمیت فراوان است.

۴-۱- روش تحقیق

در این پژوهش از روش تحقیق تحلیلی و توصیفی استفاده شده است. ابتدا به توصیف ماهیت تربیت و پژوهش پرداخته می‌شود و سپس سهم آموزش و پرورش در تربیت و پرورش کودکان بررسی می‌گردد. نیز داده‌های استفاده شده در این مقاله بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای با ابزار یادداشت‌برداری فراهم آمده است.

۲- بحث و بررسی

۲-۱- تعریف پرورش و تربیت

پرورش و تربیت، دو واژه مترادف هستند که اولی فارسی است و دومی، مأخوذ از زبان عربی و رایج در زبان فارسی است.

۲-۱-۱- تعریف پرورش

پرورش، اسم مصدر از «پروردن» و به معنی رویاندن، رشد دادن و شکل دادن و رساندن یک پدیده به کمال مطلوب آن است. برای نمونه، کمال مطلوب دانه، رسیدن به گیاه است و مجموعه فعالیت‌هایی که دانه را به گیاه مبدل می‌سازد، پرورش آن گیاه است. کمال انسان نیز مبدل شدن به شخصیتی است آراسته به فضل و ادب و اخلاق و دانش و با سلامت تن و روان و فعالیت‌هایی که در این زمینه انجام می‌گیرد، پرورش است و این لزوماً با آموزش یکی نیست (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل «پروردن»). پرورش در اصطلاحات حوزه علوم اجتماعی عبارت است از علمی که موجب شناخت استعدادهای پنهان دانش‌آموزان در همه ابعاد زندگی می‌گردد. پرورشی علاوه بر بعد دین و معنویت به سایر ابعاد زندگی مانند ابعاد فرهنگی هنری، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... توجه می‌کند و موجب سازندگی فرد در محیط خود و اجتماع می‌شود. نیز پرورش به جریان یا فرایندی منظم و مستمر گفته می‌شود که هدف آن هدایت رشد جسمانی و روانی، یا به طور کلی هدایت رشد همه جانبه شخصیت پرورش‌یابندگان در جهت کسب و درک معارف بشری و هنجارهای مورد پذیرش جامعه و نیز کمک به شکوفا شدن استعدادهای آنان است. بنا به این تعریف، یک نظام آموزشی موفق، هم فرد را در شکوفاسازی استعدادهای ذاتی‌اش کمک می‌کند و هم او را به عنوان یک فرد آگاه از مسایل جهانی و متعهد به ارزشهای جامعه‌ای که به آن وابسته است، پرورش می‌دهد. هدف عمده مدارس، دانشگاه‌ها و دیگر مؤسسات عالی، پرورش دادن این گونه افراد است (والاس و لافین، ۱۳۷۶: ۷۶).

۲-۱-۲- تعریف تربیت

تربیت عبارت است از انتخاب رفتار و گفتار مناسب، ایجاد شرایط و عوامل لازم و کمک به‌شخص مورد تربیت، تا بتواند استعدادهای نهفته‌اش را در تمام ابعاد وجودی خویش به‌طور هماهنگ پرورش داده و شکوفا سازد و به‌سوی هدف و کمال مطلوب، به‌تدریج حرکت کند. تربیت در لغت از ماده «ربا» به معنی «زاد و نما»؛ افزایش یافت، نمو کرد، گرفته شده است. در لسان العرب، آمده است: «ربا الشیء یربو ربواً و رباءاً: ای زاد و نما» (ابن منظور، ۱۹۸۷: ذیل «ربا»). همچنین تربیت از کلمه «رب» به معنی مالک، سید و مرتبی اشتقاق می‌یابد و این‌گونه معنی می‌شود: انجام وظیفه کردن به شیوه نیکو و پسندیده. با درنظر گرفتن مفهوم لغوی، می‌توان تربیت را این‌گونه تعریف کرد: تربیت عبارت است از انتخاب رفتار و گفتار مناسب، ایجاد شرایط و عوامل لازم و کمک به‌شخص مورد تربیت، تا بتواند استعدادهای نهفته‌اش را در تمام ابعاد وجودی خویش به‌طور هماهنگ پرورش داده و شکوفا سازد و به‌سوی هدف و کمال مطلوب، به‌تدریج حرکت کند. مقصود از تربیت کودک به‌طور خاص آن است که مرتبی، اعم از پدر، مادر، معلم و...، طفل را در بُعد روحی و اخلاقی پرورش دهد، به‌گونه‌ای که جسم و جان و عقل و علم او افزایش یابد و در این‌باره به‌طوری انجام وظیفه نماید که آن‌چه به‌مصلحت اوست از امور مربوط به دین و دنیای وی، انجام پذیرد (نسترنی، ۱۴۰۱: ۳۶). روان‌شناسی تربیتی، از دیدگاه مشخصی به مفهوم واژه تربیت نگاه می‌کند. تربیت معادل انگلیسی education می‌باشد که گاهی نیز به پرورش ترجمه شده است. در هر حال تربیت عبارت است از جریانی منظم و مستمر که هدف آن کمک به رشد جسمانی، شناختی، روانی، اخلاقی و اجتماعی است. به‌طور کلی تربیت، رشد شخصیت افراد در جهت کسب هنجارهای مورد پذیرش جامعه و نیز کمک به شکوفا شدن استعدادهای آنها می‌باشد. به این ترتیب واژه تربیت معنای کلی‌تری می‌یابد و از آنجا که نظام تربیتی، نظامی گسترده است، روان‌شناسی تربیتی در بدو تاسیس عمده زمینه‌های تربیت را شامل می‌شد (والاس و لافین، ۱۳۷۶: ۷۷).

۲-۲- تأثیر آموزش و پرورش در تربیت و پرورش کودکان

آموزش و پرورش تأثیری جدی و بسیار متنوع در ابعاد پرورشی و تربیتی کودکان دارد. در ادامه به مهم‌ترین حوزه‌های تأثیر آموزش و پرورش بر تربیت و پرورش کودکان پرداخته می‌شود:

۱-۲-۲- اجتماعی کردن کودکان

یکی از ویژگی‌های مثبت انسان، اجتماعی بودن وی است و کودکان برای اجتماعی شدن و اجتماعی بودن باید آماده شوند. این پدیده در قلمرو آموزش و پرورش، از یک طرف با استفاده از کتاب‌های درسی صورت می‌گیرد که از آنها، بر مفاهیم اساسی تربیت اجتماعی تأکید می‌گردد و شناختی از تاریخ مشترک، وضعیت طبیعی کشور، شکل حکومت، سیاست جامعه و فعالیت‌های جمعی به دانش آموزان ارائه می‌گردد. همچنین با تأکید بر مفاهیم اجتماعی، روابط مطلوب و الگوهای مناسب، رفتار اجتماعی به دانش آموزان نشان داده می‌شود. از طرف دیگر، دانش آموزان از طریق برخوردهای اجتماعی با همسالان، معلمان، مربیان، ناظم و مدیر مدرسه، چگونگی روابط اجتماعی را فرا می‌گیرند. در صورت انطباق محتوای کتاب‌های درسی با واقعیات زندگی اجتماعی و در صورت هماهنگی و همسو بودن روابط متقابل اجتماعی یا مفاهیم طرح شده در کتابها، می‌توان ادعا کرد که مدارس کارکرد اجتماعی کردن را به خوبی انجام می‌دهند. بر این اساس بعد از خانواده، اولین رکن تربیت اجتماعی، که در واقع مهم‌ترین و مؤثرترین نهاد تربیتی محسوب می‌شود (کریمی، ۱۳۷۵: ۶۵).

مفهوم تربیت اجتماعی از قلمرو مدرسه و نهادهای رسمی آموزش و پرورش فراتر می‌رود، بدین معنی که تربیت اجتماعی افراد به کار آموزشگاه‌ها منحصر نیست و در بیرون از مدرسه‌ها که اغلب اوقات محیطی بریده از فضای رسمی مدرسه است و محیطی که کودک در آن زندگی می‌کند، سلسله محرکهایی بر او عرضه می‌شود که احتمال دارد بسیار آموزنده یا بسیار تخریب کننده باشد. مطبوعات، رادیو و تلویزیون و تجارب شخصی از این جمله‌اند. در این میان، پس از خانواده، گروه‌های همسال یکی از مهمترین عوامل اجتماعی شدن کودک به حساب می‌آیند. معمولاً افراد در این گروه‌ها موقعیت و وضعیتی نسبتاً مساوی و روابطی نزدیک دارند گروه همسال کارکردهای زیادی دارد که از جمله می‌توان به آماده کردن خود برای پذیرش نقش‌های اجتماعی، ایجاد مهارت‌های اجتماعی، کمک به ظهور استعداد‌های فردی، جبران کاستی‌ها خانواده، الگوسازی و انتقال فرهنگ و خرده فرهنگها اشاره کرد (طاهری زاده، ۱۳۹۹: ۲۷).

۲-۲-۲- توسعه دادن به شخصیت کودک

کودک نباید با شخصیتی محدود و منحصر در یک ویژگی بزرگ شود. وظیفه آموزش و پرورش است که کودک را هم فردی شایسته بار آورد تا برای خود دارای صفات خوب انسانی باشد و هم او را عضو مؤثر جامعه کند تا فردی مفید برای دیگران باشد. در یافته‌های جامعه‌شناسی می‌بینیم که پرورش و گسترش شخصیت کودک باید در زمینه‌ای باشد که فرهنگ و جامعه او به آن بستگی دارد، نه چیزی جدا از آنها. در این نکته تأکید باید کرد که نه تنها فرد در حقیقت جدا از گروه اجتماعی خود نمی‌تواند پرورش یابد، بلکه فرد باید همان کسی که هست بشود و در هر مرحله‌ای از پیشرفت که قرار دارد باید از تأثیر متقابل میان خودش و محیط اجتماعی خویش برخوردار باشد و نامتعارف بار نیاید. اینکه در جامعه امروز آموزش و پرورش به گسترش شخصیت مربوط می‌شود یک الزام طبیعی است. شخصیت از آن گونه مفاهیمی است که در مورد آن تعاریف زیادی شنیده ایم. معمولاً شخصیت به عنوان یک چیز جامع و کمال یافته از خصوصیات روحی، عقلی، بدنی، جسمانی و حرکتی هر فرد تعریف می‌شود و خصوصیات اخلاقی و طبیعی هر فرد است که بخشی از شخصیت او را تشکیل می‌دهد. معلم مقدار زیادی از وقت خود را در این کوشش صرف می‌کند که نه تنها به شاگردانش مطالب خوب و متنوع و مفید و دانش‌های تازه بیاموزد، بلکه در رفتار آنها تغییراتی به وجود آورد و روحیات آنها را در جهت دلخواه و مناسب هدایت کند. این نیت‌های معلم به گسترش شخصیت دانش آموز مربوط می‌شود و ممکن است مربوط به هر جنبه‌ای از زندگی او نیز بشود (صادقی، ۱۴۰۱: ۴۰).

در این زمینه، شخصیت و تعادل روانی معلم بیش از سایر طبقات اجتماع مورد نظر ماست. زیرا معلم به عنوان الگو می‌تواند در دانش آموزان واکنش‌های مثبت و سازنده و یا واکنش‌های منفی ایجاد کند. تماس نزدیک معلم با دانش آموزان و نفوذی که بر آنها دارد نقش مهمی در سلامت فکری و روانی آنها ایفا می‌کند. این تأثیر و نفوذ رفتار معلم در دانش آموز ممکن است به طور مستقیم و یا غیرمستقیم صورت پذیرد و به صورت‌های گوناگون مانند تقلید، الگوسازی و گاهی اوقات همانندسازی

بروز کند. نظر به اینکه شخصیت کودکان هنوز شکل نگرفته است و نقش پذیر هستند و نبود تعادل روانی در معلم، اثرات بدی در آنها خواهد داشت. کودکان نه تنها مطالبی را که مستقیماً از طرف معلم گفته می شود، می آموزند، بلکه رفتار، حرکات، نگرش ها، مهارت ها و خلاصه کل شخصیت معلم، در آنها اثر می گذارد ریشه این مسأله را باید در تمایل به تقلید کودک از دیگران دانست (سلطانی، ۱۳۸۲: ۶۲).

۳-۲-۲- کاهش و رفع ناهنجاری های شخصیتی کودکان

مدرسه و نهاد آموزش و پرورش، به عنوان محیطی خاص شناخته شده که همه افراد به دلیل آنکه از مزایای زندگی اجتماعی بهره مند شوند و ملزم به گذراندن مراحل مختلف آموزش و پرورش مدرسه‌یی هستند، زیرا نظام مدرسه سهم عمده‌ای در انتخاب و تخصیص افراد برای ایفای نقشهای اجتماعی دارد که نحوه عملکرد فرد در مدرسه، طول مدت تحصیل و رشته تحصیلی در تعیین شغل و منزلت اجتماعی آینده افراد نقش بسزایی ایفا می کند. اما در این میان نباید مسائل تربیتی و نیازهای فردی و اجتماعی دانش آموزان را نادیده گرفت. هدف از آموزش صرفاً نمره گرفتن و یادگیری یکسری مطالب و موضوعات درسی که بعد از مدتی به دست فراموشی سپرده می شود نیست. بلکه سازگاری فرد با محیط و شناخت صحیح محیط خواهد بود. چرا که امروزه در تمام کشورهای دنیا آموزش و پرورش به عنوان یک پدیده فراگیر اجتماعی مطرح است و با وجود تفاوت در میان نظامهای مختلف آموزشی و پرورشی، القای الگوهای فرهنگی مناسب، حفظ ارزشهای اجتماعی، گسترش و ترویج دانش، مهارت و فنون، انتقال و حفظ میراث فرهنگی و آداب و رسوم، برای هر جامعه‌ای از اهمیت خاصی برخوردار است (نسترنی، ۱۴۰۱: ۳۷). اما با توجه به اهداف و وظایفی که در نظام آموزشی و پرورشی تمام جوامع دنبال می شود این سؤال مطرح است که آیا آموزش و پرورش در کشور ما به عنوان یک نهاد رسمی و فرهنگی تاکنون توانسته است به اهداف مورد نظر دست یابد؟ تاکنون این نهادها تا چه حدی در جلوگیری و کاهش ناهنجاریها و یا به تعبیری رفتارهایی که سبب ساز جرایم دانش آموزی می شود نقش داشته و یا اینکه چقدر در بهداشت روانی افراد در مقاطع مختلف مؤثر بوده است؟ در حالی که روزانه شاهد اتفاقاتی هستیم که دور از انتظار است (بختیاری، ۱۳۹۳: ۶۱). برخی از روان شناسان تربیتی معتقدند: بطور کلی برای هر کودک و دانش آموزی که به مدرسه می رود باید دو هدف اساسی را در نظر داشت و به کار گرفت. نخست آموزش که با استفاده از کتاب و کلاس و دیگر امکانات آموزشی انجام می شود. و دوم پرورش و هدایت کودکان که همواره در کنار آموزش و نیز مقدم بر آن است. به شکلی که حتی تغییر و ایجاد دگرگونی بنیادی در مدارس برای تأمین بیشتر و بهتر نیازهای تربیتی و پرورشی ضروری به نظر می رسد. چون در مدارس کشور ما هم نیز همانند تمامی نقاط دنیا دانش آموزانی وجود دارند که اگر به موقع به آنان رسیدگی نشود و به حال خود رها شوند، رفتارهای ضد اجتماعی و عدم علاقه به درس و آموزش، آنان را از مسیر طبیعی زندگی خارج خواهد کرد. در حال حاضر از مهمترین مسائلی که عده‌ای از دانش آموزان با آن مواجه‌اند اختلالات رفتاری، خلقی و حتی جنسی و نیز اشکالات آموزشی است که به شکل عقب ماندگی درسی و ناتوانی در تمرکز حواس، بی‌دقتی، بی‌اعتنایی و بی‌توجهی به اطراف بروز می کند و به شکل سرپیچی و نافرمانی، قانون شکنی، گستاخی و نیز دروغ‌گویی، فرار، سرگردانی و دیر به خانه آمدن نمایان می شود و آموزش و پرورش خوشبختانه سهمی چشمگیری در رفع این ضعفها و ناهنجاری‌های شخصیتی دارد (بختیاری، ۱۳۹۳: ۶۱).

۴-۲-۲- انگیزه بخشی به کودکان

پرورش مستقیماً با انگیزه سروکار دارد، نه با اندیشه افراد، یعنی آنچه که در بخش اندیشه مطرح است، آن را به انگیزه تبدیل می کند تا به عمل برسد و یک نوجوان یا جوان رشد کند و ارتقاء یابد و توانمند شود. تربیت کاری است که در آن مربی با نوآموزان و دانش آموزان و یا سایر مخاطبان دارای تعامل می باشد تا آنها با انگیزه رشد پیدا کنند. بخش اندیشه، آن هنر را ندارد که انسان را بپروراند. اندیشه به انسان آگاهی می بخشد، و ممکن است او را عالم بار بیاورد، ولی این امکان وجود دارد که انسان عالم بی عمل از آب درآید. عالم بی عمل نمی تواند فراتر از یک فرد آگاه اثربخشی علمی داشته باشد، در حالی که جامعه نیازمند علم صائب و عمل صالح است. اگر کسی قدرت عملی را داشته باشد، ولی فاقد عمل صالح باشد؛ چنین کسی نه به حال خود سودمند خواهد بود، نه به حال جامعه. وقتی جامعه رشد می کند و به ثمر می رسد که انگیزه قوی داشته باشد (خانپان و

ربیع، ۱۳۸۷: ۳۱). محورکارها انگیزه است و نه اندیشه. اندیشه مواد خام را به انگیزه می‌رساند، آن محور تصمیم‌گیری اگر بالغ و عاقل باشد؛ مصمم می‌شود و کاری را انجام می‌دهد. اندیشه به بخش جزم بر می‌گردد، انگیزه به بخش عزم. آنجا که سخن از اراده و محبت و نیت و خلوص و مانند آن است، آن را عقل عملی به عهده می‌گیرد. عهده‌دارش انگیزه است؛ آنجا که سخن از حس و تجربه و خیال و وهم و استدلال است، آن را اندیشه. جامعه به همان اندازه که به اندیشه و علم محتاج است، به انگیزه و تصمیم و اراده و عمل نیازمند است، بلکه بیشتر. آموزش و پرورش لازم است که با در پیش گرفتن برنامه‌ریزی مناسب به ایجاد و توسعه انگیزه در کودکان بپردازد و از این ویژگی برای افزایش کارایی کودکان در دیگر حوزه‌های پرورشی و حتی آموزش بهره‌گیر (نسترنی، ۱۴۰۱: ۳۸).

۵-۲-۲- شکل دادن به بُعد عقیدتی و اخلاقی کودکان

تربیت دینی در جامعه معاصر ایران، به دلایل فراوانی از جمله جهانی شدن و ورود گسترده فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی به زندگی روزمره افراد، دستخوش تغییر و تحول شگرف و در عین حال خطرناک شده است. تربیت که از اهداف بسیار مهم خلقت و ارسال رسل و انزال کتب از سوی خداوند است نمی‌تواند بدون هدف باشد. لازم است که آموزش و پرورش ضمن شناسایی اهداف تربیت در جهت تامین آن برنامه‌ریزی کند (کریمی، ۱۳۷۵: ۵۹). اصولاً از نظر اسلام تربیت دینی از گهواره آغاز می‌شود و در خانواده شکل می‌گیرد، اما اوج آن با معلم است. مقدمات و پایه‌گذاری آن از مرحله تشکیل جنین و حتی قبل از آن است، ولی آنچه که صورت رسمی دارد از لحظه تولد است و با خواندن اذان و اقامه در دو گوش کودک شروع می‌شود و در آینده معلم با تعلیم خویش و نیز سیره عملی و با زیستن مطابق آیین و اخلاق اسلامی می‌تواند کودک را با عقیده و اخلاق الهی بار آورد (سلطانی، ۱۳۸۲: ۶۲).

۳- نتیجه‌گیری

آموزش و پرورش را می‌توان مهم‌ترین اندام و به منزله قلب پیکره جامعه دانست که موجب بقای جامعه و سلامت و نشاط آن است. وظیفه آموزش و پرورش، تربیت نیروی آگاه، کارآمد و متعهد برای کشور است. آموزش و پرورش می‌تواند موجب شکوفایی سایر بخش‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شود و این استعداد و توانایی تنها با تقویت آموزش و پرورش ایجاد می‌شود. با مطالعه در سرنوشت و سیر صعودی کشورهای پیشرفته متوجه نقش مهم آموزش و پرورش در ارتقا و به فعلیت رسیدن استعداد سایر بخش‌های این کشورها می‌شویم. آموزش و پرورش می‌تواند با تربیت و پرورش درست و شایسته کودکان، زمینه را برای آموزش شایسته کودکان فراهم آورد. پرورش و تربیت کودکان از طریق آموزش و پرورش جنبه‌های فراوانی دارد که برخی از مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: اجتماعی کردن کودکان، توسعه دادن به شخصیت کودک، انگیزه‌بخشی کودکان، کاهش و رفع ناهنجاری‌های شخصیتی کودکان و شکل دادن به بُعد عقیدتی و اخلاقی کودکان. آموزش و پرورش می‌تواند با برنامه‌ریزی مناسب و منسجم در هر یک از این حوزه‌ها موجب شود که نسلی پرورش‌یافته و سزاوار برای آینده کشور و جامعه بشری فراهم آید.

فهرست منابع

- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۹۸۷). *لسان العرب*. بیروت: دار احیاء التراث العربیه.
- بختیاری، شهلا. (۱۳۹۳). «بررسی انعکاس مطالب مربوط به سیره پیامبر (ص) در کتاب‌های درسی دوره دبیرستان رشته‌های تجربی و ریاضی سال تحصیلی ۱۳۹۲ - ۱۳۹۱». *مجله مطالعات تاریخ فرهنگی*. سال ششم. شماره ۲۱. صص ۴۷ - ۷۰.
- خانیان، محمد؛ ربیع، سام، (۱۳۸۷). «اخلاقیت و نوآوری در سازمان‌های آموزشی- مفاهیم- نظریه‌ها- تکنیک‌ها و سنجش». تهران، انتشارات رسانه تخصصی.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). *لغت‌نامه*. تهران: دانشگاه تهران.
- سلطانی خدیو، کبری. (۱۳۸۲). «رشد مهارت‌های دست». تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، گروه آموزشی کاردرمانی.

- صادقی، ام‌البنین. (۱۴۰۱). «بررسی نقش و جایگاه تربیت فاطمی در آموزش و پرورش کودکان». *نهمین همایش ملی تازه های روانشناسی مثبت*.
- طاهری‌زاده، مریم. (۱۳۹۹). «نقش آموزش و پرورش در تربیت کودکان». *هفتمین همایش علمی پژوهشی توسعه و ترویج علوم تربیتی و روانشناسی ایران*.
- کریمی، عبدالعظیم. (۱۳۷۵). «کارکرد نظام آموزش و پرورش در تربیت اجتماعی کودکان و ارتباط آن با توسعه فرهنگی اجتماعی». *مجله رشد معلم*. شماره ۱۲۰. صص ۶۲-۶۵.
- نسترنی، لیلا. (۱۴۰۱). «نقش آموزش و پرورش در اجتماعی کردن کودکان از طریق فعالیت های جسمانی در ساعات تربیت بدنی». *شانزدهمین کنفرانس ملی روانشناسی، علوم تربیتی و اجتماعی*.
- والاس، ج. مک؛ لافین. ج. ا. (۱۳۷۶). «ناتوانیهای یادگیری». ترجمه: منشی طوسی، تقی. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.